

چند نکته اصلاحی درباره بیت‌های عربی ریاض الملوک

۲۳۷-۲۴۶

چکیده: ریاض الملوک فی ریاضات السلوک از متن‌های سزاوار اعتنای سده هشتم به شیوه داستان در داستان است، مانند کلیله و دمنه و مرزبان نامه و کتاب‌هایی از این دست که حکایت‌های جانوران را در بردارند. اصل کتاب در سده ششم به نام سلوان المطاع به زبان عربی نوشته شده است و ریاض الملوک ترجمه آزادی از آن به شمار می‌رود؛ ترجمه‌ای که با افزودن کاست‌های قابل توجهی همراه بوده و مرزهای مشترکی با بازنویسی دارد. کتاب مذکور به تصحیح و تحقیق بهروز ایمانی در سال ۱۳۹۷ به زیور طبع آراسته شده است. نویسنده در نوشتار حاضر، در تلاش است چند بیت عربی از متن کتاب را اصلاح نماید.

ریاض الملوک فی ریاضات السلوک: تصحیح و تحقیق

بهروز ایمانی؛ تهران: دکتر محمود افشار، ۱۳۹۷، ۹۵۳

کلیدواژه‌ها: ریاض الملوک فی ریاضات السلوک، سلوان المطاع، تصحیح کتاب.

صفحه.

A Few Corrective Points about the Arabic Verses of Riyāḍ al-Mulūk

Vahid Eidgah Torqabeh

Abstract: Riyāḍ al-Mulūk fi Riyāḍāt al-Sulūk is one of the eighth-century texts that deserve special attention. It is in the style of telling a story within another story and like Kelileh, Demneh, Marzbannameh and books like this, contain the stories of animals. The original book was written in Arabic in the sixth century under the name of Sulwān al-Mutā', and Riyāḍ al-Mulūk is considered a free translation of it; A translation that includes considerable additions and reductions and is much closer to be called a rewriting. The book has been edited and researched by Behrouz Imani in 1397. In the present article, the author is trying to correct a few Arabic verses from the book.

Keyword: Riyāḍ al-Mulūk fi Riyāḍāt al-Sulūk, Sulwān al-Mutā', book correction

بعض الملاحظات التصحيحية للأبيات العربية في (رياض الملوك)
وحيد عيدگاه طرقيبه اي

الخلاصة: (رياض الملوك في رياضات السلوك) هو أحد النصوص الجديدة بإهتمام والتي تعود إلى القرن الثامن الهجري، وهو يمتاز بكتابته بأسلوب القصة ضمن القصة، بحيث يمكن تشبيهه بكتاب (كليلة ودمنة) أو (مرزيبان نامه) وغيرها من الكتب من هذا القبيل التي تتضمن قصص الحيوانات. وأصل هذا الكتاب يعود إلى القرن السادس باسم (سلوان المطاع)، وهو مكتوب باللغة العربية. أما (رياض الملوك) فهو بمثابة الترجمة الحرة لهذا الكتاب، حيث اقترنت هذه الترجمة بمقدار لا بأس به من الإضافات أو الحذف، مما يجعل هذه الترجمة أقرب ما تكون إلى إعادة الكتابة. وقد تمت طباعة الكتاب المذكور سنة ١٣٩٧ الشمسية، وتولى تصحيحه وتحقيقه بهروز إيماني. أما المقال الحالي فهو محاولة من الكاتب لإصلاح بعض أبيات الشعر العربي الواردة في نص الكتاب. المفردات الأساسية: (رياض الملوك في رياضات السلوك)، (سلوان المطاع)، تصحيح الكتاب.

ریاض الملوک فی ریاضات السلوک از متن‌های سزاوار اعتنای سدهٔ هشتم است به شیوهٔ داستان در داستان و مانند کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه و کتاب‌هایی از این دست که حکایت‌های جانوران را در بر دارند. اصل کتاب در سدهٔ ششم به نام سلوان المطاع به زبان عربی نوشته شده است و ریاض الملوک ترجمهٔ آزادی از آن به شمار می‌رود؛ ترجمه‌ای که با افزودن کاست‌های قابل توجهی همراه بوده است و مرزهای مشترکی با بازنویسی دارد. خود مترجم در این باره چنین می‌گوید:

مفاصل فصول و ابواب آن از هم بگشودم و هر چه در آن سماجتی یافتم طرح کردم و خلاصه و نقاوهٔ آن را در سلک عبارت کشیدم و در بعضی مواضع حکایتی چند بر سبیل تمثیل زیاده کردم و در تقدیم و تأخیر حکایات و زیاده و نقصان آن تصرف نمودم. (شامی: ۱۳۵ و ۱۳۶)

بخش‌های پنج‌گانهٔ ریاض الملوک صرف نظر از مقدمه و خاتمه بدین شرح است:

باب اول: در تفویض و نتایج آن

باب دوم: در تأسی و فواید آن

باب سیم: در صبر و عواید آن

باب چهارم: در رضا و میامن آن

باب پنجم: در زهد و عواقب آن (همان: ۱۳۹)

به نظر می‌رسد متن اصلی و به تبع آن، متن ترجمه شده به علت همین بخش‌بندی جدی و تا اندازه‌ای خشک (مقایسه شود با بخش‌بندی کلیله و دمنه) و نیز به دلیل پرداختن به مقدمات نظری سطحی و گاه بدیهی دربارهٔ کانی‌ها و جانوران و نیز اصرار نویسنده یا مترجم بر متشرعانه کردن مطالب نه چندان مربوط به شریعت و عرضه داشتن پندهای صریح و نالازم و پیوند دادن هر موضوعی به صنع صانع و استشهادهای مکرر و نابه‌جا به منابع عربی تا اندازه‌ای و در برخی از پاره‌ها، از جدّابیت و شادابی و روانی بی‌بهره یا کم‌بهره مانده است. کندی روند برخی از داستان‌ها و حکایت‌ها و دیررفتن سراسر اصل مطلب را از دیگر کاستی‌های کتاب می‌توان برشمرد. در حالی که با حذف برخی از مطالب و رها کردن شیوهٔ اطناب ممل می‌شد هم ادبیت متن را حفظ کرد و هم جدّابیت آن را افزود. اما فضل فروشی و هنرنمایی نویسنده‌گان قدیم و در نظر گرفتن مخاطبان خاص معمولاً مانع از برطرف شدن این کاستی‌ها می‌شده است. کتاب حاضر و نویسندهٔ آن نیز از این حکم مستثنا نیستند.

با این همه، نفی کلی کتاب دور از انصاف است؛ زیرا پاره‌های خوش ساخت و روان و حکایت‌های خواندنی هم بیش‌وکم در آن دیده می‌شود و چنین نیست که خواننده همواره از خواندن آن دچار ملال شود و نشر آن را پیوسته فضل فروشانه و پرحشو و زواید بیابد. از همین رو در مجموع می‌توان ریاض الملوک را از متن‌های خواندنی سدهٔ هشتم به شمار آورد.

چنان‌که اشاره شد، کتاب مصنوع است و آمیخته با بیت‌های عربی و فارسی که کار تصحیح آن را دشوار می‌کند. با این همه مصحح کوشنده آن توانسته است در مجموع متنی پاکیزه فراهم آورد و مقدمه و تعلیقاتی سودمند برای آن بنگارد و با فهرست‌های چندگانه کتاب و افزودن واژه‌نامه‌ای بر آن کار خوانندگان متن را آسان کند. او همچنین کوشیده است تا با گذاشتن نشانه‌های سجاوندی فراوان از لغزش‌های احتمالی خوانندگان در خواندن متن پیشگیری کند، به ویژه با گذاشتن کسره اضافه یا درنگ‌نما نشان دهد که کجا باید کلمه‌ای را مضاف خواند و کجا به سکون تلفظ کرد. حرکت‌گذاری جمله‌ها و عبارت‌های عربی نیز از ویژگی‌های مثبت تصحیح مورد نظر است (اگرچه به ندرت با خط‌هایی جزئی همراه شده است، مانند: «مَدَّ اللهُ ظَلْمَهُمْ» به جای «مَدَّ اللهُ ظَلْمَهُمْ» در صفحه ۱۳۷ و «لَمِنَ النَّاصِحِينَ» به جای «لَمِنَ النَّاصِحِينَ» در صفحه ۱۷۲)؛ کاری آکنده از لغزشگاه‌های فراوان که برخی از مصححان از آن پرهیزی و وزند یا به صورتی حداقلی بدان می‌پردازند تا زمینه خردگیری‌های منتقدان را فراهم نکنند و میزان عربی‌دانشان به داوری گذاشته نشود. اما مصحح این کتاب با تعهد و صداقتی شایسته ستایش بدین کار دست یازیده و از انتقادهای احتمالی نهراسیده است. آنچه در ادامه می‌آید، اصلاح چند بیت عربی متن را در بردارد:



من بعد ما أستدفع البلوى بهم نفسى أبشرها بطبيب المولد (ص ۱۰۱)

با دگرگونی طیب به وزن (مستعلن متفاعلن مستعلن، بحر کامل) و معنای مصراع دوم به سامان می‌آید.

يَبْرَ مَنْمَامِ الْأُسْدِ فِي الْغَابَةِ خَيْفَةً بِهِ وَعَلِيهِ لِلنَّمَالِ مَنْمَامٌ

وزن (فعل مفاعیلن فعولن مفاعلن، بحر طویل) نشان می‌دهد که در مصراع نخست أُسْد (شیران) به سکون «سین» به کار رفته است و صورت مرخّم غابه به جای غابۀ درست است: يَبْرَ مَنْمَامِ الْأُسْدِ فِي الْغَابَةِ خَيْفَةً ...

فَأَيَّامُ شَرِبِ هَذِهِ وَتَلَدَّ ذِي فَعِشِ رُحْبًا حَتَّى يَعْوَدَ بِحَوْلِهِ (ص ۱۲۷)

به جای مصدر رُحِب به معنای «فراخی» باید مصدر رَحِب به همین معنی را در متن گذاشت تا وزن (فعل مفاعیلن فعول مفاعلن، بحر طویل) بیت به هنجار شود.

اهلاً بفطرٍ قد انارَ هلاله الآن فاغْدُ على السِّلْمِ و بَکْرِ (ص ۱۳۰)

در مصراع دوم واژه پیش از واو عطف سلام است که اگر اصرار بر حفظ رسم الخط می بود می بایست به همین صورت که در متن آمده است اما با نشانه مدّ روی صامت ل نگاهشته می شد تا با سلّم اشتباه نشود و خوانندگان در تشخیص وزن (مستفعلن متفاعلن متفاعلن، بحر کامل) به خطا نیفتند.

كَأَنَّ عَيُونَ التَّرَجِسِ الغَضِّ بينها مداهُنٌ دَرَّ حَشَوَهْنَ عَقِيْقُ (ص ۱۷۱)

در مصراع دوم واژه حشو مبتدای جمله است و باید نشانه رفع بگیرد، نه نصب.

انّى لَدَيْ لَأَسْرارٍ أَضْنُ بها ولَسْتُ اودِعُها لِلکِتابِ وَالرَّسْلِ (ص ۱۹۱)

واژه اسرار مبتدای جمله است و باید نشانه رفع بگیرد، نه جر. صورت درست: انّى لَدَيْ لَأَسْرارٍ أَضْنُ بها ...

وانت كالأفعى التى لا تحتفر ثم تجيءُ سادرةً فتنجحر (ص ۲۰۵)

وزن (مفتعلن مفاعلن مفاعلن، بحر رجز) ایجاب می کند که سومین کلمه مصراع دوم را به صورت مرتّم سادره بخوانیم.

قَدْ أَصْبَحْنَا لَنَا دَاؤُ كجَنّاتٍ و فردوسٍ (ص ۲۰۹)

وزن بیت (مفاعیلن مفاعیلن، بحر هزج) ایجاب می کند که همزه فعل را در آن به صورت وصل بخوانیم؛ هر چند که همزه باب افعال قطع است. صورت درست مصراع نخست: قد اصبحنا لنا داؤ ...

حَتَّى إِذَا أَدَهَمَ الظُّلْماءِ فِى الأَفْقِینِ وَرِدا و ید الصَّبّاحُ یحُلُّ من جِیب الدَّجى ماکان شُدّا

(ص ۲۱۹)

اگر پس از واژه ای به اندازه یک هجای بلند یا دو هجای کوتاه افزوده شود، وزن بیت نخست درست (مستفعلن متفاعلن مستفعلن متفاعلاتن، بحر کامل) می شود و اگر یاء را به فعلِ بدا دگرگون کنیم، دلیل رفع کلمه صباح در بیت دوم آشکار می شود. به گفته مصحح ارجمند این شعر در یتیمه الدهر نیز آمده است. (شامی: ۵۵۸، تعلیقات). با نگاهی به این کتاب صورت درست به دست می آید:

حَتَّى تَحْوَلْ أَدَهْمُ الظُّلْماءِ فِى الأَفْقِینِ وَرِدا و ید الصَّبّاحُ یحُلُّ من جِیب الدَّجى ماکان شُدّا

(ثعالبی: ۴ / ۲۷۳ و ۲۷۴)

إذا لم تَرِدْنِي مَوْدِي غَيْرَ غَلَّةٍ فَلَا صُدِّرْتَ بِالْوَارِدِينَ الْمَشَارِعُ

وإن لم تُجِدْنِي الشُّحْبُ الْأَصْوَاعِقَاءَ فَلَا جَادَتِ الدُّنْيَا الْغِيُوْثُ الْهُوَامِعُ

(ص ۲۲۱)

در بیت نخست واردین مثنی نیست و باید به واردین اصلاح شود. نیز غیوث در بیت دوم باید نشانه رفع بگیرد؛ زیرا فاعل فعل جادت است.

كَأَنَّ أَعْرَافَهُمَا مِنْ فَوْقِهَا شُرْفٌ حُمُرٌ مَنقُشٌ عَلَى بَعْضِ الْجَوَاسِقِ (ص ۲۲۴)

حرکت گذاری کلمه منقش وزن بیت (مستفعلن فاعلن مستفعلن فعلن، بحر بسط) را برهم زده است. در بیت مورد نظر این واژه را باید به سکون «ش» خواند.

إِذَا أَرَذَحِمْتَ هَمُومَ النَّفْسِ قَلْنَا عَسَى يَوْمًا يَكُونُ لَهَا انْفِرَاجٌ (ص ۲۲۸)

در مصراع نخست به جای نشانه همزه وصل نشانه فتحه گذاشته شده و این کار ساخت فعل ماضی و وزن مصراع (مفاعلتن مفاعیلن فعولن، بحر وافر) را به هم ریخته است. هنگامی که اذاد را از دحمت ادغام شود، آن را باید به صورت «اذدحمت» خواند: اذاد دحمت هموم النفس قلنا ...

وَلَوَانِ مَا بِي بِالْحَصَا فَلَقَ الْحَصَى وَبِالصَّخْرَةِ الصَّمَاءَ لِأَنْصَدَعَ الصَّخْرُ (ص ۲۲۹)

به نظر می رسد به جای آنکه انصدع را با «الف» قطع بخوانیم، باید همزه صماء را به تلفظ درآوریم تا وزن (فعولن مفاعیلن فعول مفاعیلن، بحر طویل) درست شود: و بالصخرة الصماء لانصدع الصخر

لَا تَحْفَرْنَ لِصَاحِبِ لِكِ حَفْرَةً فَلَزِبَتْ حَافِرِ حَفْرَةٍ فِيهَا وَقَعَ (ص ۲۳۴)

فتحه پایانی فعل ماضی (وقع) را در اینجا نباید تلفظ کرد؛ زیرا وزن (متفاعلن متفاعلن مستفعلن، بحر کامل) خراب می شود.

أَلَا يَا صَخْرُ لَا أَنْسَاكَ حَتَّى أَفَارِقَ عَيْشِي وَأُزَوِّرَ رَمْسِي (ص ۲۵۴)

در مصراع دوم عیسی وزن (مفاعلتن مفاعلتن فعولن، بحر وافر) را خراب کرده است. اگر از همین ماده و نزدیک به همین کلمه بخوایم واژه ای را برگزینیم باید عیشتی را به جای عیسی بگذاریم؛ وگرنه صورت درست بر طبق دیوان خنساء مہجنتی است. (خنساء: ۷۲)

الدَّهْرُ خَلَخَلَنِي مِثْلَ النِّسَاءِ وَكَمْ شَتَّفَتْ مِنْ قَبْلِي آذَانُ أَكْفَاءِ

لَا بَلَّ غَلِطْتُ وَكُفَوِي بَعْدَ فِي عَدَمٍ وَعَيْتِي قَدْ عَقَمَتْ أَرْحَامَ حَوَاءِ (ص ۲۶۴)

صورت درست از نظرون (بحر بسیط) و معنی و اعراب چنین باید باشد:

الدهرُ خلخلنى مثل النساء و كم سنفتُ من قبلى اذان أكفاءٍ
لا بل غلطُ و كُفوى بعدُ فى عدمٍ و عنه قد عقيمت ارحام حواء.

شاعر می‌گوید «روزگار همچون زنان بر من پایبند زد؛ حال آنکه من چه بسیار از جانب خود گوشواره زدم بر گوش همانند آنم. نه. نادرست گفتم. همچون منی پس از این در نبود خواهد بود و زهدان حوا از زادن چنوبی نازا شده است.»

و ليل يودُ المصلون بناه لَوَأَنَّهُمْ حَتَّى النِّهَارِ وَقَوْدُهَا (ص ۲۸۱)

آغاز مصراع دوم با حرکت‌گذاری کنونی مکثی دارد که وزن (فعول مفاعیلن فعول مفاعلن، بحر طویل) را برهم می‌زند. در خوانش درست و ادغامی، و او لَوَأَنَّهُمْ مفتوح است و همزه آنهم خوانده نمی‌شود: لَوَأَنَّهُمْ حَتَّى النِّهَارِ وَقَوْدُهَا

يكون عند الطوى سُعدانٌ مسعديه والوردُ عند الصداءِ أحساءٌ صُداءِ (ص ۲۸۲)

نخست باید یاد آور شد که مسعد باید فتحه بگیرد؛ زیرا خبر بیکون است. در مصراع دوم صدی به جای صداء درست است و اشکال وزن (مستفعلن فاعلن مستفعلن فعلن، بحر بسیط) را بر طرف می‌کند.

اذا قال شعرا فالنجومُ زوائه فَمَن ذا رأى الشعري زوت لأمرئٍ شعراً (ص ۲۹۰)

نهادن همزه قطع برای واژه امرء وزن (فعلولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن، بحر طویل) را خراب کرده است. لامرئٍ بروزن فاعلن خوانده می‌شود، نه مفاعلن.

تعارجتُ لا رغبةً فى العرجِ ولكن لأقربَ باب الفرجِ (ص ۲۹۱)

کسره پایانی زائد است و وزن (فعلولن فعولُ فعولن فعل، بحر متقارب) را برهم زده است.

أعاتبُكم يا أم عمرٍ و لِحَبِّكم ألا انما المقلئى من لا يعاتبُ (ص ۲۹۴)

آنچه به صورت «واو» عطف مفتوح در متن آمده و وزن (فعول مفاعیلن فعولن مفاعلن، بحر طویل) و دستور زبان را برهم زده، حرف پایانی نام عمرو است. صورت درست چنین است: أعاتبُكم يا أم عمرٍ و لِحَبِّكم

و كنت فتى من جند ابليس فارتمى بك الحال حتى صار ابليس من جندك

فتحة پایان بیت زائد و برهم‌زننده وزن (فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن، بحر طویل) است.

على قدر فضل المرء تأتي خطوبه ويُعرف منه الصبر فيما ينوبه (ص ۳۱۲)

اعراب صبر در صورتی درست خواهد بود که عاملی برای جزش یافته شود. اگر به جای منه پیش از آن عند جای بگیرد، چنان‌که در نسخه بدل‌ها دیده می‌شود، (شامی: ۳۱۲) اشکال اعراب این کلمه برطرف می‌گردد.

إذا بلغ الرأى المشورة فاستعين برأى نصيحٍ او نصيحة حازم (ص ۳۲۴)

صورت درست که وزن مصراع نخست (فعول مفاعیلن فعول مفاعیلن: بحر طویل) را به سامان می‌آورد، مشوره است به ضمه «شین» و سکون «واو». این تلفظ در متن‌های فارسی نیز نمونه دارد:

در مشورت نیافت کس مقصود از دو بی اصل سست‌رای حسود

(سنایی: ۵۷۹)

إسلم و دم و ابی و املیک و انم و اسم و زد واعط و امنع و ضر و انفع و صل و صل

(ص ۳۵۵)

در مصراع نخست نهادن کسره برای حرف «ب» در سومین فعل (ابق) نادرست است و آن را در کنار «واو» باید به صورت و ابی (بمان) نگاشت. همچنین فعل امر از سمو (اسم) باید با ضمه «میم» بیاید. در مصراع دوم «الف» نخستین فعل «الف» قطع است از باب افعال و دیگر الف‌ها «الف» وصل. فعل ضر نیز باید بدون فتحة و تشدید بیاید تا وزن (مستفعلن فاعلن مستفعلن فعَلن / مفاعِلن فاعِلن مستفعلن فعَلن، بحر بسیط) درست شود. اینک صورت درست بیت:

إسلم و دم و ابی و املیک و انم و اسم و زد و أعط و امنع و ضر و انفع و صل و صل

و ارض القضاء فإنه حتم أجل وله أجل (ص ۳۶۲)

فتحة أجل وزن مصراع دوم را خراب کرده است. صورت درست که جناس تام را پدیدار می‌کند این است: حتم أجل وله أجل

هیهات لا یخدعکم ایماضه فالغیظ تحت تبسم الآساد (ص ۳۷۶)

فعل امر غایب باید مجزوم باشد، نه مرفوع. این اصلاح وزن (مستفعلن مستفعلن مستفعلن، بحر کامل) و معنای مصراع را نیز به سامان می‌کند: هیهات لا یخدعکم ایماضه ...

صُنِعَتْ عَنِ الضِّلَعِ العوجاءِ فامتنتع على الثقات سوى أن تكسر الأودا (ص ۳۸۲)

در مصراع نخست بحر کامل و بحر بسیط در هم آمیخته شده است. صورت درست که بخشی از وزن را به سامان می‌کند، در نسخه بدل‌ها دیده می‌شود: صِيَعَتْ. (شامی: ۳۸۲) اکنون می‌ماند یک اصلاح وزنی و لغوی دیگر که عبارت است از تبدیل ضِلَع (استخوان پهلو) به ضِلَع که صورتی است از همان واژه با همان معنی. (دهخدا: مدخل ضِلَع) اکنون صورت درست مصراع مورد نظر: صِيَعَتْ عَنِ الضِّلَع العوجاءِ فامتنتع ...

فطوبى لِنَفْسٍ وَ طَنَّتْ قَعَرَ دَارِهَا مغلقة الأبواب مُرْخِي حجابها (ص ۴۲۲)

وزن (فعولن مفاعيلن فعولن مفاعلن، بحر طویل) و معنای مصراع نخست با تغییر جای تشدید و برداشتن فاصله «واو» درست می‌شود: فطوبى لِنَفْسٍ وَ طَنَّتْ قَعَرَ دَارِهَا ...

إذا ما بدت فوق الغصون حسبتها كؤوس عقيقٍ قد ملئن من الخمر (ص ۴۲۴)

نخستین واژه مصراع دوم (کؤوس) مفعول دوم فعل حسبت است و باید منصوب باشد، نه مرفوع.

سلام على اهل القبور الدوارس كأنهم لم يجلسوا فى المجالس (ص ۴۲۹)

«میم» در ضمیر هم باید ضمه بگیرد تا وزن (فعول مفاعيلن فعولن مفاعلن، بحر طویل) درست شود: كأنهم لم يجلسوا فى المجالس.

عَمِرُوا دَهْرًا بَعِيثٍ حَسَنِ آمنى من دهرهم غير عجال (ص ۴۳۰)

حرف پایانی ضمیر هم در مصراع دوم باید نشانه «سکون» بگیرد تا وزن (فاعلاتن فاعلاتن فعَلن، بحر رمل) درست شود. همچنین لازم است حرف پایانی قافیه این بیت (و نیز دیگر بیت‌های شعر) نشانه سکون بگیرد: آمنى من دهرهم غير عجال

أيها الشامت المعير بالدهر أنت المبرأ الموفور

ام لديك العهد الوثيق من الايام ام انت جاهل مغرور

این کسری کسری ملوک ابو ساسان ام این قبله سابور (ص ۴۳۱)

مصراع بندی نادرست است و باید بدین شکل درآید:

أيها الشامت المعير بالدهر أنت المبرأ الموفور

ام لديك العهد الوثيق من الايام ام انت جاهل مغرور

این کسری کسری ملوک ابوسا سان ام این قبله سابور

و تذکر رب الخورنق اذ اشرف يوماً وللهدی تفکیز (ص ۴۳۱)

واژه رب مفعول است و باید منصوب باشد.

حب السلامة ینسی هم صاحبه عن المعالی و یغری المرء بالکسل (ص ۴۳۵)

فعل در مصراع دوم وزن (مفاعلهن فاعلهن مستفعلن فعلن، بحر بسیط) را برهم زده است. صورت درستش یغری بدون فتحه «ی» است. توجه شود که فعل مورد نظر در جایگاه نصب نیست.

در پایان از مصحح گرامی باید بابت آماده سازی این متن ارزشمند که تصحیح آن بی گمان کار زمان بر و توان فرسایی بوده است، سپاس گذاری کرد.

کتابنامه

ثعالبی، ابومنصور؛ تیممة الدهر فی محاسن اهل العصر؛ شرح و تحقیق مفید محمد قمحیة؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۳ م.

خنساء؛ دیوان الخنساء. اعتنی به و شرحه حمدو طماس؛ بیروت: دارالمعرفة، ۲۰۰۴ م.

دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، چاپ دوم از دوره جدید. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

سنائی غزنوی، محدود بن آدم؛ حدیقة الحقیقه؛ به تصحیح مدرّس رضوی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.

شامی، نظام الدین؛ ریاض الملوک فی ریاض السلوک؛ به تصحیح و تحقیق بهروز ایمانی؛ تهران: دکتر محمود افشار، ۱۳۹۷.